

صلى الله عليه وسلم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ

پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

عنوان پایان نامه

ورود زنان به تئاتر ایران از ابتدا تا دهه ۱۳۳۰ خورشیدی

استاد راهنما

دکتر شهرام یوسفی فر

استاد مشاور

دکتر صفورا برومند

پژوهشگر

زهره ایمانی راد

اسفند ماه ۱۳۹۴

سپاسگزاری

سپاسگزارم از:

استاد عزیزم دکتر شهرام یوسفی فر که موازی اصول حرفه ای تاریخنگاری، نکات ارزشمندی را به بنده یادآور شدند. با آرزوی توفیق روز افزون ایشان.

خانم دکتر صفورا برومند عزیز و با آرزوی توفیق و سلامتی برای ایشان.

از جناب آقای سیروس سعدوندیان محقق بزرگ و دانا که با اطلاعات به روز خود، کمک‌های بسیاری به من کردند.

از جناب آقای ناصر حسینی مهر محقق ارجمند و بزرگوار به خاطر راهنمایی‌های بسیار مفید.

از دوستان نازنینم جناب آقای ایرج شیخ و شهناز جنگجو که مهربانانه در مراحل مختلف تحقیق به من یاری رساندند.

از هنرمند ارجمند بهروز غریب پور نازنین که متواضعانه، وقت ارزشمندشان را در اختیار من قرار دادند و نکات مهم و سرنوشت سازی را برای تحقیقم به من یادآور شدند.

و بانوی هنرمند خانم ملکه رنجیر که با وجود کسالتی که داشتند خواسته‌ی مرا پذیرفتند و وقتشان را در اختیار من قرار دادند.

تقدیم به کوه ها و دشت ها و سرسبزی که دست ها و صدای مادرم است
و رنگین کمان که چشمان پدرم است.

چکیده

ورود تئاتر به ایران حرکتی از بالا به پائین بود؛ چرا که این طبقات مرفه و اشراف و تحصیل کرده‌ی جامعه بودند که با سفرهایی که به اروپا و روسیه و همسایه‌ی شمال غربی ایران، گرجستان داشتند، زمینه‌ی ورود تئاتر به ایران را فراهم کردند و در داخل ایران هم نمایشنامه‌های اروپائیان که در نتیجه‌ی نهضت ترجمه^۱، در میان طبقه‌ی تحصیل کرده‌ی ایرانی دست به دست می‌شد، این حرکت را با سرعت بیشتری در میان این طبقه گسترش داد. علاوه بر اینکه که ورود تئاتر حرکتی بود از بالا به پائین و تدریجی^۲ و در ابتدای امر در میان طبقه‌ی خاصی از جامعه‌ی ایرانی مطرح بود، حضور زنان هم در آن، چه به عنوان بازیگر یا ... و چه بعنوان تماشاگر، مرسوم نبود و چه بسا ممنوع هم بود. جای خالی زنان در تئاتر را مردان پر می‌کردند. مردانی که در نقش‌های زنانه بازی می‌کردند به "زن پوش" معروف بودند. کم کم و با تغییرات سیاسی و اجتماعی، ابتدا زنان غیر مسلمان - مسیحی، یهودی و زرتشتی - و سپس مسلمان بعنوان بازیگر، نمایشنامه نویس و کارگردان وارد این عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی شدند. قابل ذکر است که تا سال‌ها، تئاتر یک هنر اعیانی قلمداد می‌شد و نفوذ آن، تنها در میان طبقه‌ای خاص از جامعه‌ی ایران دیده می‌شد. در این پژوهش، به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مستندات موجود، از جمله آثار مکتوب، خاطرات و مصاحبه‌ها، به روش پژوهش کتابخانه‌ای، اسنادی و تاریخ شفاهی، روند ورود زنان به تئاتر ایران، در سه برهه‌ی زمانی (سال‌های پایانی دوره‌ی قاجار، دوران رضاشاه و بخشی از دوران محمدرضاشاه) بررسی می‌شود.

^۱ که از دوره‌ی اصلاحات و عباس میرزا شروع شده بود.

^۲ کما اینکه فرهنگ یک مقوله‌ی تدریجی است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	فصل اول: کلیات
۳	۱. بیان مسئله
۳	۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
۳	۳. قلمرو پژوهش
۳	۴. سوالات پژوهش
۴	۵. فرضیه‌های پژوهش
۴	۶. پیشینه پژوهش
۹	فصل دوم: فعالیتهای اجتماعی زنان
۹	پیش از ورود به تئاتر
۱۰	مقدمه
۱۰	۱. فعالیتهای اجتماعی زنان در دوره قاجار
۱۰	۱-۱. مدرسه‌سازی
۱۱	۱-۲. روزنامه‌نگاری
۱۲	۱-۳. تشکیل انجمن
۱۴	فصل سوم: سابقه حضور زنان در نمایش
۱۵	مقدمه
۱۶	۱-۳. تقلید
۱۷	۱-۳-۱. مروری بر پیشینه تقلید
۱۸	۱-۳-۲. نمایشهای خانگی زنان
۱۸	۱-۳-۲-۱. آرایش و لباس و مکان نمایش
۱۹	۱-۳-۲-۲. نحوه بازیها
۱۹	۱-۳-۲-۳. تصویر زنان در نمایشهای خانگی
۲۰	۱-۳-۲-۴. بازی مردان به جای زنان در تقلید

۲۱.....	۳-۱-۲-۵. شکل گیری دسته‌های مطربی زنان
۲۴.....	۳-۲. تعزیه
۲۵.....	۳-۲-۱. زنان به عنوان تماشاگران تعزیه
۲۶.....	۳-۲-۲. زنان تعزیه گردان
۲۷.....	۳-۲-۳. کیفیت اجرای تعزیه
۲۸.....	فصل چهارم: ورود تئاتر به ایران
۲۹.....	مقدمه
۲۹.....	۴-۱. آشنایی ایرانیان با تئاتر
۳۰.....	۴-۱-۱. مشاهده‌ی تئاترها در فرنگستان
۳۱.....	۴-۱-۲. سهم تالیفات و ترجمه‌ها نمایشی در معرفی تئاتر
۳۱.....	۴-۱-۲-۱. تالیفات
۳۱.....	الف) فتحعلی آخوندزاده (۱۲۵۷-۱۱۹۱ ش.)
۳۲.....	ب) میرزا آقا تبریزی
۳۳.....	ج) روزنامه تیاتر
۳۴.....	۴-۱-۲-۲. ترجمه‌ها
۳۴.....	الف) آفاقالدوله (تاجماه)
۳۴.....	ب) میرزا حبیب اصفهانی
۳۵.....	ج) ابوالقاسم خان قره‌گوزلو همدانی (ناصرالملک)
۳۵.....	۴-۲. تئاتر نوپای مبارز
۳۶.....	۴-۲-۱. انجمن نسوان وطنخواه
۳۶.....	۴-۲-۲. انجمن اخوت
۳۷.....	۴-۲-۳. شرکت علمیه فرهنگ
۳۸.....	فصل پنجم: ورود زنان به تئاتر
۳۹.....	مقدمه
۳۹.....	۵-۱. فعالیت گروه‌های نمایشی خارجی در ایران

- ۵-۱-۱. گروه هنری آرمینیان ۴۱
- ۵-۱-۲. گروه تئاتر آبوویان ۴۱
- ۵-۱-۳. گروه نمایشی عربسکی ۴۱
- ۵-۱-۴. گروه عثمان بیگ بیکتاش زاده (بکتاش زاده) ۴۲
- ۵-۲. فعالیت افراد مستقل در جهت تشویق و حمایت زنان در امور اجتماعی با استفاده از نمایش ۴۲
- ۵-۲-۱. خانوادگی محمودی ۴۲
- ۵-۲-۲. کنل علینقی وزیر ۴۲
- ۵-۳. ورود زنان به تماشاخانهها ۴۳
- ۵-۴. بازی مردان به جای زنان در تئاتر ۴۴
- ۵-۵. تحلیلی در مورد فعالیت ایرانیان غیرمسلمان در زمینهی تئاتر ۴۶
- ۵-۶. سیر فعالیت زنان در تئاتر ۴۸
- ۵-۶-۱. زنان نمایشنامه‌نویس ۴۸
- ۵-۶-۱-۱. ملکه رحم دل ۴۹
- ۵-۶-۱-۲. مینو لاجوردی ۴۹
- ۵-۶-۱-۳. وجیه‌الملوک امیر اختیارالدینی ۴۹
- ۵-۶-۱-۴. فروغ الزمان شهردار ۴۹
- ۵-۶-۱-۵. بدرمنیر علوی ۴۹
- ۵-۶-۱-۶. مدحت تهرانی ۴۹
- ۵-۶-۲. نخستین زنان کارگردان تئاتر ایران ۴۹
- ۵-۶-۲-۱. پری آقابابیان (آقابایف) (۱۳۵۸-۱۲۷۹ش.) ۴۹
- ۵-۶-۲-۲. مادام وارتو تریان (طریان) مادام لالا (۱۳۳۵-۱۲۷۵ش.) ۵۲
- ۵-۶-۲-۳. ساری امانی ۵۳
- ۵-۶-۲-۴. مهین عباس طالقانی [اسکویی] (۱۳۰۹-۱۳۸۴ش.) ۵۳
- ۵-۶-۳. زنان بازیگر تئاتر ایران ۵۴
- ۵-۶-۳-۱. ملوک بهمن سلطانی ۵۵

- ۵۵..... (۱۳۷۷-۱۳۹۰ ش.) لرتا هایراپتیان تبریزی (نوشین) ۵-۶-۳-۲
- ۵۷..... (۱۳۷۳-۱۳۸۶ ش.) رقیه فخرالملوک توکلی ۵-۶-۳-۳
- ۵۹..... سونا قفقازی ۵-۶-۳-۴
- ۵۹..... مریم گرجی ۵-۶-۳-۵
- ۶۰..... (۱۳۲۲-۱۳۸۵ ش.) فاطمه نشوری ۵-۶-۳-۶
- ۶۱..... (۱۳۰۹ تاکنون) فاطمه بزرگمهری ۵-۶-۳-۷
- ۶۴..... زلیخا جهانبخش ۵-۶-۳-۸
- ۶۴..... (۱۳۸۱-۱۳۰۴ ش.) مهین دیهیم ۵-۶-۳-۹
- ۶۵..... (۱۳۵۳-۱۳۸۱ ش.) عصمت صفوی ۵-۶-۳-۱۰
- ۶۶..... (۱۳۴۹-۱۳۹۸ ش.) نیکتاج صبری ۵-۶-۳-۱۱
- ۶۶..... (۱۳۷۴-۱۳۸۶ ش.) ایران دفتری ۵-۶-۳-۱۲
- ۶۹..... نتیجه‌گیری
- ۷۱..... فهرست منابع
- ۷۱..... کتاب‌ها
- ۷۲..... تاریخ شفاهی
- ۷۲..... نشریات
- ۷۳..... مقالات
- ۷۳..... پایان نامه
- ۷۴..... پیوستها
- ۱۰۷..... تصاویر

مقدمه

مستندات تاریخی از رواج انواع مختلفی از نمایش، اعم از "تقلید"، "تعزیه"، "نمایش‌های عروسکی" از جمله "خیمه شب بازی"، "سیاه بازی" و دیگر شیوه‌های نمایش، در تاریخ ایران حکایت می‌کنند. اما تئاتر با معیارها و ضوابط غربی تا سال‌های حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق.) در ایران سابقه نداشت. از جمله‌ی این ضوابط می‌توان به سبک نمایشنامه‌نویسی، معماری تماشاخانه و قوانین حاکم بر اجرای نمایش اشاره کرد.

در واقع ایرانیان از اواسط دوران حکمرانی ناصرالدین شاه با این گونه‌ی از نمایش آشنا شدند. در این گفتار، "ایرانیان" نه قاطبه‌ی مردم، بلکه گزیده‌ای از رجال، فرهنگیان و نخبگانی به شمار می‌روند که به سبب موقعیتی اجتماعی و فرهنگی از جمله امکان سفر یا دسترسی به متون نمایشی غربی، با تئاتر آشنا شدند. این آشنایی از دو طریق امکان‌پذیر بود: دیدن نمایش‌ها و خواندن نمایشنامه‌های مطرح، از نویسندگان شاخصی چون "ویلیام شکسپیر"، "مولیر"، "گوگول" و دیگر نمایش‌نامه‌نویسان مطرح اروپایی. گذشته از اهمیت ورود تئاتر به ایران و نقش و تأثیر آن در برخی فعالیت‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، حضور زنان در این عرصه، مقدمه‌ای است بر تحولی تأثیرگذار در تاریخ اجتماعی و فرهنگی زن در ایران که در در عرصه‌ای گسترده‌تر، حوزه‌ای فراتر از ایران و جایگاه زن در شرق میانه را در برمی‌گیرد.

بررسی تاریخ حضور زنان در تئاتر جهان، نشان می‌دهد نمایش، همواره در اغلب فرهنگ‌های شناخته شده از عرصه‌هایی بوده است که زنان، دیرتر از مردان وارد آن شدند و یا دوره‌هایی از ممنوعیت حضور آنان، توسط قدرت‌های حاکم برقرار بوده است.^۳ تاریخ ایران نیز از این فرهنگ نانوشته بدور نبوده است. از اینروست که تحقیق حاضر به طور مشخص به موضوع ورود زنان ایران به تئاتر دوره‌ی قاجار و روند فراز و نشیب آن تا دهه‌ی ۱۳۳۰ ش. می‌پردازد.

در این فاصله‌ی زمانی در سه دوره‌ی سال‌های پایانی حکومت احمد شاه قاجار، پهلوی اول و دوم، پدیده‌ی ورود زنان به تئاتر با پیشگامی بانوان غیر مسلمان آغاز و سیر صعودی آن در دو دوره‌ی بعد ادامه می‌یابد. زنان در دوران مورد بحث با فعالیت‌هایی چون نمایشنامه‌نویسی، بازیگری، سرپرستی گروه‌های نمایشی،^۴ و به موازات آن به عرصه‌ی آواز و موسیقی نیز شکل جدیدی از حضور اجتماعی را رقم زدند. گذشته از برخی اصلاحات اجتماعی و فرهنگی حکومتی در دوران پهلوی اول، حمایت مردان دست‌اندر کار امور هنری از زنان پیشرو در تقویت حضور زنان در تئاتر تأثیرگذار بود. اما حضور زنان غیر مسلمان با محدودیت کمتر در سه شهر تهران، تبریز و رشت بیش از پیش زمینه‌ی ورود زنان مسلمان و تداوم فعالیت آنها در تئاتر ایران را فراهم کرد.

بازخوانی و بررسی چگونگی روند ورود زنان به تئاتر، موانع و راه‌های پیشرفت در نیل به این هدف، شناسایی شخصیت‌ها و رخدادهای تأثیرگذار در این عرصه از مباحثی است که در این پژوهش به آنها پرداخته می‌شود تا رویکردی علت‌جویانه بخشی از تاریخ اجتماعی زنان ایران با تکیه بر مستندات تاریخی بازنمایی و تحلیل شود.

^۳. در یونان باستان، زنان حق بازیگری نداشتند و در کشورهای اروپایی، به جز فرانسه که از همان ابتدای قوت گرفتن هنر تئاتر، زنان به جای نقش‌های خودشان بازی می‌کردند، عمدتاً مردان، جای زنان ایفای نقش می‌کردند و در چین از دوره‌ای، حضور زنان در نمایش، ممنوع اعلام شد.

^۴. هنوز عنوان "کارگردان" مصطلح نبود.

فصل اول: کلیات

۱. بیان مسئله

تئاتر یا هنر نمایش به شیوه‌ی اروپایی در اواسط حکومت ناصرالدین شاه از طرق مختلفی چون ترجمه‌ی متون نمایشی غربی توسط رجال تحصیلکرده و آنانی که به اروپا سفر کردند، به ایران راه یافت. اما تا دهه‌ها بعد زنان ایرانی مسلمان از اجرای نمایش برابر مردان، در انظار عمومی و نیز حتی از تماشای آن محروم بودند. از اواسط دوران حکمرانی احمد شاه قاجار، تا سال‌ها، زنان ایرانی غیر مسلمان بر صحنه‌ی تئاتر حضور داشتند. این امر و برخی رخدادهای اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ی ورود زنان مسلمان به تئاتر را فراهم کرد و از دهه‌ی ۱۳۳۰ ش. به بعد و به دنبال تأسیس مراکز و موسسات فرهنگی مرتبط با تئاتر و هنرهای نمایشی، بیش از پیش بر فعالیت زنان در تئاتر ایران افزوده شد.

با توجه به محدودیت‌های اجتماعی که زنان ایرانی مسلمان در عرصه‌ی حضور اجتماعی با آن روبرو بودند و دیدگاه غالب جامعه ایرانی مبنی بر کراهت حضور اجتماعی و هنری زنان که تا امروز نیز به اشکال دیگر ادامه دارد، پرسشی که مطرح می‌شود این است که زمینه‌های حضور زن در تئاتر چگونه فراهم شد و چه عواملی در ادامه این روند تأثیرگذار بودند؟ جهت پاسخ به این پرسش، برخی مباحث مکمل آن نیز مد نظر قرار می‌گیرد که در قالب پرسش‌های زیر مجموعه پرسش اصلی مطرح می‌شود. از جمله: چه گروه‌ها و طبقاتی از زنان وارد تئاتر شدند و با چه مشکلاتی رو به رو بودند؟ حضور زنان در تئاتر، تا چه میزان مدیون امتیازات هنری و تا چه حد در گروهی زیبایی‌های جسمی و ظاهری بود؟

۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به این که فعالیت اجتماعی و فرهنگی زنان در تاریخ ایران همواره با محدودیت‌هایی همراه بوده است، حضور آنها در تئاتر به عنوان یکی از علنی‌ترین عرصه‌های فعالیت اجتماعی و فرهنگی و پیامدهای آن را در شکل‌گیری دوران جدیدی از تاریخ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زن در ایران و نیز شرق میانه نمی‌توان نادیده انگاشت. با توجه به مطالب پراکنده‌ای که در این خصوص در دست است و ضرورت بازشناسی زوایای مختلف این روند و آگاهی از روایات آخرین نسل بازمانده از دوران مورد بحث، بازخوانی حضور زنان در عرصه تئاتر ایران و شناسایی عوامل تأثیرگذار و نتایج حاصل از این تکاپوی اجتماعی و فرهنگی در تدوین یکی از نمودهای تحول اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت و ضروری است.

۳. قلمرو پژوهش

الف). قلمرو مکانی: تهران.

ب). قلمرو زمانی: سال‌های پایانی دوره‌ی قاجار (دوران حکمرانی احمد شاه) تا دهه‌ی ۱۳۳۰ ه.ش.

ج). قلمروی موضوعی: زنان در تئاتر ایران.

۴. سوالات پژوهش

- تجربه‌ی نمایشی زن ایرانی قبل از ورود به تئاتر چه بود؟

- کدام گروه از زنان ایرانی از پیشگامان ورود به تئاتر بودند؟

- چه عواملی در ورود زنان به تئاتر نقش داشتند؟

- زنان پیشگام در عرصه تئاتر ایران از چه پیشینه‌ی اجتماعی- فرهنگی برخوردار بودند؟

- بازخورد و پیامدهای حضور زنان در تئاتر ایران چه بود؟

۵. فرضیه‌های پژوهش

- تا پیش از ورود تئاتر به ایران، زنان در تقلید و تعزیه فعالیت داشتند.

- زنان غیر مسلمان (ارمنی و یهودی) به واسطه‌ی آزادی‌های عرفی و دینی، نخستین گروه زنان در ایران بودند که وارد تئاتر شدند.

- وقوع برخی تحولات اجتماعی - سیاسی از جمله نهضت مشروطیت، عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری این رخداد از جمله حضور زنان در تشکلهای اجتماعی- سیاسی، اقدامات فرهنگی عصر پهلوی اول و دگرگونی‌های اجتماعی دهه‌ی آغازین پهلوی دوم از عوامل تأثیرگذار به شمار می‌روند.

- بخش درخور توجهی از زنان پیشگام در عرصه تئاتر از طبقه متوسط بودند.

- حضور زنان در تئاتر با شکل‌گیری گونه‌ای جدید از فعالیت اجتماعی - فرهنگی آن‌ها از جمله نمایش‌نامه‌نویسی، کارگردانی، اجرا، الغای دیدگاهی نو نسبت به جایگاه زن در جامعه (با رویکرد منفی و مثبت) همراه بود.

۶. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش، در خصوص تاریخ تئاتر ایران، بسیار محدود است. اغلب منابع این مبحث را اسناد و نشریات مرتبط با موضوع تشکیل می‌دهند. در خصوص موضوع این تحقیق، یعنی زنان در تئاتر ایران، به طور خاص با محدودیت بیشتری در مورد منابع روبرو هستیم. چرا که در خلال پرداختن به تاریخ تئاتر در ایران، به حضور زنان نیز اشارتی شده است که این امر نیز فاقد رویکرد تحلیلی است. برخی از مهم‌ترین آثار در خصوص پیشینه‌ی تئاتر در ایران عبارتند از:

الف) "نمایش در ایران" اثر بهرام بیضایی^۵: کتاب از دست نوشته‌های استاد بهرام بیضایی است که در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ ش. گردآوری شده است. این کتاب اثری است کاملاً تحلیلی، که ارزش فراوانی در تاریخ‌نگاری هنر و نمایش ایران دارد. بیضایی، مسائل پیش روی نمایش ایرانی را با اشرافی که به مسئله دارد بازنمایی می‌کند و کمبود و کاستی‌های آن را بر می‌شمرد. در نهایت هم به ارائه‌ی رویکردی، به سمت ایجاد "نمایش ملی" اشاره می‌کند. کتاب به طریقی استادانه و دقیق نوشته شده است و تمام مسائل مهم نمایش در ایران را از دوران باستان تا معاصر در بر می‌گیرد. اشارات بیضایی به عملکردهای زنان در نمایش، بسیار موشکافانه و دقیق است. او عرصه‌های فعالیت زنان در نمایش را هم مورد بررسی قرار داده است و به تعزیه‌ی زنانه و نمایش‌های خانگی

۵. بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۷ ش.

و حضور زنان در تئاتر و بازی مردان به جای زنان در تقلید و تئاتر جدید و ... اشارات و تحلیل‌های دقیقی دارد. دقت و اشراف بیضایی بر مسئله‌ی مورد بحث و قلم روان و شیوای او، خواندن این کتاب را بیش از پیش جذاب می‌کند. اما به ارتباط متقابل حضور زنان در تئاتر ایران و رخداد‌های اجتماعی - فرهنگی معاصر کمتر پرداخته است.

ب) "مصاحبه‌های تاریخ شفاهی مرکز اسناد": این مصاحبه‌ها از منابع ذی‌قیمت تاریخی هستند و در دهه‌ی ۱۳۷۰ ش. آغاز شده است و سعی شده با تمام افرادی که در آن تاریخ، چه در ایران و چه در خارج از ایران حضور داشتند، مصاحبه گرفته شود. این ایده، هرچند دیر، ولی به کمک تاریخ معاصر ایران آمده است و ما بخشی از تاریخ اجتماعی ایران را مستقیماً از زبان شکل دهندگان آن و افراد دخیل در آن می‌شنویم که این می‌تواند در کنار جالب بودن شنیدن صدای افرادی که جایگاه مهمی در تاریخ ایران را به خود اختصاص دادند در شکل‌گیری درک بهتر و عمیق‌تر ما از حوادث تاریخ اجتماعی کمک بزرگی باشد و نانوشت‌های تاریخی را از زبان آنها بشنویم. در میان این مصاحبه‌ها که توسط افراد مختلف، چه کارکنان سازمان اسناد و چه هنرمندان، گرفته شده است، در چند بخش، نام بانوانی از جمله؛ "رقیه چهره آزاد" و "مهین دیهیم" و "توران مهرزاد" هم وجود دارد. علاوه بر اینکه این منبع غنی تاریخی، از زبان بانوان هنرمند در مورد تاریخ زندگیشان و نحوه‌ی فعالیت‌هایشان در تئاتر ایران، بسیار شنیدنی است. در گفته‌های دیگر هنرمندان هم اعم از "نصرت‌اله کریمی"، "مرتضی احمدی" و "محمد علی کشاورز" و ... هم اطلاعات با ارزشی در مورد فعالیت‌های بانوان وجود دارد. این کتاب به عنوان حاصل طرح تاریخ شفاهی، فاقد رویکرد تحلیلی است.

ج) "گزیده‌ی اسناد نمایش در ایران" به همت مسعود کوهستانی نژاد؛ این کتاب ۲ جلدی، گزیده‌ای از اسناد نمایش را از انقلاب مشروطه تا ۱۳۰۴ ش. در بر می‌گیرد. دفتر اول که با پیشگفتار و مقدمه‌ی گردآورنده آغاز می‌شود، از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول، دو فصل را در بر می‌گیرد: اسناد نمایشی و گروه‌های نمایشی در ایران و متون نمایشی. بخش دوم شامل فهرست موضوعی اسناد، که از چهار فصل تشکیل شده است. جلد دوم: گرد آوری "علی میر انصاری" و "سید مهرداد ضیایی" است که سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ ش. را در بر می‌گیرد. به سه بخش کلی تقسیم شده است. اسناد نمایش و متون نمایشی و بخش سوم شامل اعلام، هنرمندان، نشریات تئاتری و ... است. پایان هر بخش با فهرست اعلام به پایان می‌رسد. در بیان اهمیت این کتاب همین بس که از اسناد، این منابع ناب تاریخی بهره برده است.

د) "بنیاد نمایش در ایران" اثر ابوالقاسم (ایرج) جنتی عطایی^۷: این کتاب از منابع قدیم و معتبر تاریخ نمایش ایران است. نویسنده خود، از هنرجویان هنرستان هنرپیشگی و از مدرسان و بازیگران نمایش‌های رادیویی در سال‌های قبل از انقلاب بوده است. اهمیت نوشته‌های وی، بیشتر به این دلیل است که خودش در متن تئاتر ایران، حضور داشته است و به نوعی نوشته‌های او حاصل تجربیاتش در تئاتر می‌باشد. این کتاب اولین بار در ۱۳۳۳ ش. در تهران توسط انتشارات کتابفروشی ابن سینا به چاپ رسیده است. مطالب با دو مقدمه از نویسنده شروع می‌شود و ابتدا در مورد خاستگاه نمایش در ایران، از ابتدا تا دوران معاصر را به طور کلی دربر می‌گیرد. فهرست نمایشنامه‌های ایرانی را به ترتیب حروف الفبا در بخش دوم کتاب آورده است و نمایشنامه‌هایی از

^۶ کوهستانی نژاد، مسعود، اسناد نمایش در ایران، تهران: سازمان اسناد کتابخانه ملی، ۱۳۸۱ ش.

^۷ جنتی عطایی، ابوالقاسم، بنیاد نمایش در ایران، تهران: انتشارات کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۳ ش.

نویسندگان ایرانی از "میرزا ملکم خان ناظم الممالک" تا "سید علی نصر" را در برمی‌گیرد و اشاراتی به حضور زنان در تئاتر ایران دارد. اما رویکرد آن مروری است.

ه) "سیری در تئاتر ایران" اثر مصطفی اسکویی^۸: این کتاب اثری است از مصطفی اسکویی از نسل قدیمی تئاتر ایران، که خود از هنرجویان هنرستان هنریشگی بوده و در ادامه‌ی فعالیتش از کارگردانان و بازیگران تئاتر به شمار می‌رفت. او و همسرش "مهین اسکویی" از بنیان‌گذاران یکی از مراکز فعال و علمی تئاتر در ایران، یعنی "تئاتر آناهیتا" بودند. کتاب او حاصل تجربیات و ارتباطات او در هنر است. این کتاب به سال ۱۳۷۸ش. توسط انتشارات آناهیتا در تهران در ۱۲۰۱ صفحه به چاپ رسیده است. نویسنده، پیشینه‌ای از تئاتر ایران در دوران معاصر فراهم کرده و شرح نمایش در ایران را از دوره‌ی باستان شروع کرده و تا سال‌های میانی دهه‌ی ۱۳۵۰ش. ادامه داده است. مطالب نویسنده به شکل منظمی دسته بندی شده هستند، طوری که دسترسی به مطالب مورد نظر را برای خواننده آسان‌تر کرده است. در تقسیم بندی کتاب، نمایش ایران در دوران باستان و سده‌های میانه به طور کلی بررسی شده است و دوران معاصر، سال‌های ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۸ش. را در بر می‌گیرد که این قسمت، شامل بخش‌های دیگری است که در دسته بندی‌های موضوعی نویسنده جای گرفته اند.

در میان پرداختن به تاریخ تئاتر ایران، نویسنده به مسائل سیاسی روز هم توجه داشته است و در تمام وقایع حساس تاریخی، به آن‌ها اشاره می‌کند. نویسنده برای "تئاتر آناهیتا" بعنوان یک آکادمی تاثیر گذار در تئاتر ایران، اهمیت زیادی قائل است و قسمت قابل توجهی از کتاب را به آن اختصاص داده است. عکس‌هایی که در این کتاب، از افراد یا اعلان نمایش‌های اجرا شده و یا اجرای تئاترهای دوره‌ی زندگی نویسنده چاپ شده، اسناد گران‌بهایی از تاریخ تئاتر ایران را تشکیل می‌دهند که در کمتر منبعی به آن‌ها بر می‌خوریم.

و) "ادبیات نمایشی در ایران" اثر جمشید ملک پور^۹: کتابی است با ارزش، شامل سه جلد که در تهران توسط انتشارات توس در سال ۱۳۸۵ش. به چاپ دوم رسیده است. بعد از پیشگفتار و مقدمه‌ی نویسنده، بخش اول از جلد اول، با این عنوان آغاز می‌شود: "طغیان افکار و طلوع‌ی نمایش فرنگستان در ایران". در این بخش از کتاب به اولین کوشش‌های ایرانیان در شناخت تئاتر و قبل از آن، آشنایی با این مقوله می‌پردازد. در بخش دوم به شکل‌گیری گروه‌های نمایشی و ادبیات نمایشی دوره‌ی مشروطه می‌پردازد. در بخش سوم، وارد حکومت رضا شاه می‌شود که تمام دوره‌ی حکومت وی را در بر می‌گیرد و با این مقدمه آغاز می‌شود: "از کودتا تا جنگ جهانی دوم" و ضمن پرداختن به زندگی هنرمندان مطرح در آن سال‌ها قسمتی را به نمایشنامه‌نویسان زن در ایران اختصاص داده است. به طور کلی این کتاب برای فهم کیفیات تئاتر مدرن در ایران بسیار مفید است. و مهم‌تر آنکه کتاب توسط نویسنده‌ای خیره و توانا نوشته شده است که خواندن آن برای آشنایی با تاریخ نمایش ایران اهمیت دارد. اما کتاب فاقد رویکرد منسجم نسبت به موضوع زنان در تئاتر ایران است.

^۸. اسکویی، مصطفی، سیری در تئاتر ایران، تهران: آناهیتا، ۱۳۷۸ش.

^۹. ملک پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران، ۳ج، تهران: توس، ۱۳۸۵ش.

ی) "بازی‌های نمایشی (شامل بیست بازی با روایات مختلف آنها)." اثر ابوالقاسم انجوی شیرازی^{۱۰}: این کتاب با ارزش، حاصل تحقیقات میدانی نویسنده از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۲ ش. در اقصا نقاط ایران است. همان طور که در عنوان کتاب هم آمده، بیست بازی نمایشی که در میان زنان، در محافل خصوصی و خانوادگی و جشن‌ها و عروسی‌ها و ... برگزار می‌شده و کیفیات و ویژگی‌های مخصوصی داشته است، با روایات مختلف از چند شهر در نقاط مختلف ایران، گردآوری شده است. او برای این منظور، سراغ نواحی گمنام‌تر هم رفته مثل: "اکبریهی بیرجند" یا "کرویهی شهرضا" و یا "کورکی کربال". در این کتاب، متن کامل ترانه‌ها با معانی واژگان محلی و نقاشی‌هایی خیالی از بازی‌ها به چاپ رسیده است. نویسنده در پایان هر بازی نمایشی، اسامی کسانی که برای جمع‌آوری اطلاعات و گفتگوها، با آنها گفتگو و مصاحبه داشته را آورده است. در پایان این کتاب ۱۲۱ صفحه-ای، اسامی راویان و همکاران، اماکن و قبایل، پیشه‌ها و جانور و دام آمده است. در بازخوانی پیشینه‌ی نمایش در ایران و نقش سنتی و تاریخی زنان در این امر از این کتاب استفاده شد.

("فصلنامه تئاتر": این فصلنامه از جمله نشریات قابل اعتنا در حوزه‌ی تئاتر ایران است و تمام جنبه‌های تئاتر ایران و هم‌چنین نمایش‌های آئینی سرزمینمان را توسط محققان و هنرمندان برجسته، مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. از با ارزش‌ترین مقالات این فصلنامه، مقالات هنرمند و محقق بزرگ آقای "داوود فتحعلی بیگی" و خانم "لاله تقیان" است که گفتگویی را با خانم "لرتا" در یکی از شماره‌های فصلنامه به چاپ رسانده‌اند. در چند شماره‌ی پی در پی، مقالاتی از "امیر علیزادگان" در مورد "تئاتر تبریز" به چاپ رسیده که بسیار با ارزش است و همین‌طور از هنرمند تئاتر گیلان و از محققان برجسته‌ی این حوزه: "فرامرز طالبی" مقالاتی در مورد تئاتر در گیلان و نمایشنامه نویسی و ... در آن چاپ شده است. مقالاتی که هم توسط آقای "آندرانیک هویان" در مورد آرامنه‌ی ایران و فعالیت‌های نمایشی آنان در تهران و تبریز به چاپ رسیده که بسیار با ارزش است. برخی مقالات این فصلنامه در تکمیل مستندات مرتبط با موضوع مورد بحث این پژوهش، مورد استناد بوده است.

("تئاتر ایران چند روایت تازه" اثر ناصر حسینی مهر^{۱۱}: این کتاب مجموعه‌ی چند مصاحبه‌ی ناصر حسینی مهر با بازیگران نسل گذشته‌ی تئاتر ایران است که در نوع خود، کار نویی محسوب می‌شود. کتاب در سال ۱۳۸۹ ش. توسط انتشارات "افراز" به چاپ رسیده است. در این کتاب، از سه بانوی بازیگر سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۲ ش. از جمله: "رقیه چهره آزاد"، "ایران دفتری" و "مهین اسکویی" مصاحبه گرفته شده است. کتاب در پایان هر قسمت، در بر گیرنده‌ی پی‌نوشت‌هایی است که در آنها اطلاعات در خور توجهی در مورد بعضی هنرمندان که نامشان در متن آمده ذکر شده است. در میان این نام‌ها نام بعضی بانوان هنرمند و مسائلی که با آنها مربوط است دیده می‌شود، از جمله "عصمت صفوی" که ضمن معرفی وی، مصاحبه‌ی کوتاهی هم با وی انجام شده است که جالب توجه است. این کتاب با فهرست اعلام، ۲۳۹ صفحه است و شامل هشت مصاحبه می‌باشد و به دلیل اینکه به طور مستقیم، اطلاعات چند نفر از بانوان تئاتر ایران را گردآوری کرده حائز اهمیت است. خود نویسنده هم از کارگردانان و منتقدان تئاتر در سال‌های قبل از انقلاب و محقق آشنا با تئاتر دنیا و

^{۱۰}. انجوی شیرازی، ابوالقاسم، بازی‌های نمایشی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۲ ش.

^{۱۱}. حسینی مهر، ناصر، تئاتر ایران چند روایت تازه، تهران: افراز، ۱۳۸۹ ش.

تئاتر ایران است. با توجه به این که برخی بانوان مورد مصاحبه این کتاب در قید حیات نیستند، این کتاب در تکمیل مستندات پژوهش حاضر حائز اهمیت بود.

فصل دوم: فعالیتهای اجتماعی زنان

پیش از ورود به تئاتر

مقدمه

این فصل به معرفی و بررسی مستندات موجود از فعالیت اجتماعی زنان پیش از ورود تئاتر به ایران می‌پردازد. بدین ترتیب، آن گروه از زمینه‌های اجتماعی در ایران عصر قاجار بررسی می‌شود که به ظهور فعالیت‌های اجتماعی زنان منجر شد و در نهایت در زمینه‌سازی برای حضور زنان در عرصه تئاتر موثر بود.

۱. فعالیت‌های اجتماعی زنان در دوره قاجار

۱-۱. مدرسه‌سازی

از دهه‌ی ۱۲۸۰ ق. فعالیت‌های اجتماعی زنان، به گونه‌ای آشکار آغاز شد. هر چند نباید چنین تصور کرد که تا این تاریخ، زنان کاملاً منفعل و درمانده، در خانه‌های خود بودند؛ اوضاع رضایت بخشی هم نداشتند که این، مختص عموم جامعه‌ی ایران بود چنان که هست. در واقع بی‌خبری و نا آگاهی که بیشتر، ناشی از نداشتن برنامه‌های هدفمند و راهبردی، از سوی دولت برای زندگی مردم است، شامل همه‌ی ملت ایران می‌شده است و نه فقط زنان. حتی خود دولتمردان هم به این مسئله دچار بودند. اما زنان بیشتر از مردان دچار این بحران بودند. در این بررسی‌ها اگر هم تمام انتقادات به دولت و حاکمیت وارد شود، بررسی ناقصی خواهیم داشت، چرا که مردم، خود حاکم بر زندگی خویش‌اند؛ نمونه‌ی روشن آن این است که در همین دوره‌ای که از آن بحث می‌شود و مردان و زنان منفعل و بی‌خاصیت را نشان می‌دهد. حال آن که، در مقابل، مبین جامعه‌ای از مردان و زنانی است برای نیل به اهداف اجتماعی و سیاسی خود مبارزه می‌کردند. دغدغه‌ی زنانی که قدم در راه مبارزه گذاشتند، عدم تساوی زن و مرد در تعلیم و تربیت بود و عمده‌ی حرف‌نشریات آن روز، چه عمومی‌ها و چه تخصصی‌های بانوان و سایر مجالس روشنفکری، این بود که زنان در ایران به دلیل نداشتن علم است که روزگار خوبی ندارند و این را به جامعه‌ی ایران هم تعمیم می‌دادند که تا زنان آگاه نشوند، ایران پا در راه تمدن و مدنیت نخواهد گذاشت (ایران، ۱۳۸۸: ش؛ ۷۸). از این رو مدرسه‌سازی و نشر روزنامه از عمده فعالیت‌های بانوان در این زمینه شد؛ تهران، تبریز، رشت، شیراز و مشهد از اولین شهرهایی هستند که مدارس اولیه به سبک نوین در آنها ساخته شد. "بی بی خانم استرآبادی" یا "وزیراف" را پیشگام مدرسه‌سازی برای دختران ایرانی می‌دانند. وی با تاسیس "دبستان دوشیزگان" در سال ۱۳۲۴ ق. قدم بزرگی در این راه برداشت.^{۱۲}

"طوبی رشدیه [آموده]" دیگر بانوی فعال در این زمینه بود. او پیش از مشروطه به ساخت مدرسه‌ی "پرورش" همت گماشت که تنها چهار روز پایید ولی پس از نهضت مشروطه مدیریت چند مدرسه را از ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ قمری را بر عهده داشت^{۱۳} (بامداد، ۱۳۴۷: ۱، ۳۶؛ وطن دوست و...، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

^{۱۲} شرح زندگی او و دخترش "خدیجه افضل وزیری" که از نویسندگان فعال بود را در این کتاب ببینید: ملاح، مهرانگیز، زنان پیشگام ایران، تهران: شیرازه، ۱۳۸۵ ش.

^{۱۳} نقش مدارس دخترانه میسیونرها یا مبلغان مذهبی اروپایی و امریکایی را در ترویج آموزش دختران نمی‌توان نادیده انگاشت. سال‌ها پیش از تأسیس مدارس دخترانه ایرانی، میسیونرهای مذهبی مدراسی را در اورمیه، اصفهان، شیراز، کرمان، یزد، رشت، تهران و همدان افتتاح کردند. برخی از دانش‌آموختگان این مدارس، بعدها به زنان پیشرو در امر آموزش و پرورش و دیگر

"صفیه یزدی"، "ماهرخ گوهرشناس"، "ماه سلطان خانم امیر صحنی" و "شمس کسمایی" از بانوان فعالی بودند که به رغم مخالفت جامعه، اعم از مرد و زن، در راه هدفشان که آموختن دانش به دختران و زنان بود، پای فشردند. بعضی از آنان هم از حامیان پر و پا قرصی برخوردار بودند. از جمله صفیه یزدی که همسر "شیخ محمد حسین یزدی" از مجتهدان طراز اول در مجلس شورای ملی و از طرفداران تعلیم و تربیت دختران بود. وی بدین منظور همسرش را به فعالیت در زمینه‌ی مدرسه سازی تشویق کرد تا اجازه نامه‌ای از طرف یک مجتهد بزرگ، برای قدم گذاشتن در این راه باشد (بامداد، همان، ۲، ۵۲).

سختی و حساسیت کار این بانوان وقتی زیاد می‌شود که بدانیم، آنها در شرایطی دست به عمل زدند که "شیخ فضل الله نوری" مجتهد معروف، طی فتوایی که در ۱۳۲۸ قمری صادر کرد، مدارس دخترانه را مورد نکوهش قرار داد و در ابتدای طرز تلقی مردم هم از مکانی به نام مدرسه، که دختران هم می‌توانند در آن علم بیاموزند، جز مرکز فساد، چیزی نبود. با وجود گذشت سال‌ها از این اتفاقات، درک چنین مسئله‌ای برای فکر امروز نمی‌تواند سخت باشد، چون با همین مسائل، ولی به شکلی دیگر درگیر است. این بانوان، از اداره‌ی فرهنگ وقت مجوز ساخت مدرسه را دریافت می‌کردند (بامداد، همان، ۲، ۶۱).

۲-۱. روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری، دیگر عرصه‌ی فعالیت زنان بود. "دانش" نخستین نشریه‌ی زنان ایران توسط خانم "دکتر کحال" از ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ قمری به صورت هفتگی در تهران چاپ می‌شد و نشریه‌ی اجتماعی - تربیتی "شکوفه" دومین نشریه‌ی زنان به مدیریت "مریم عمید سمنانی (مزمین السلطنه)" به مدت چهار سال از ۱۳۳۰ قمری دو بار در ماه در تهران چاپ و منتشر می‌شد.^{۱۴} "زبان زنان" روزنامه‌ی مهم دیگر است که در پرهون آباد شمس آباد "اسپهان" (اصفهان) با مدیریت "صدیقه دولت آبادی" - از فعال‌ترین بانوانی که در جنبش زنان نقش مهمی داشت - هر ۱۵ روز به چاپ می‌رسید (همان، ۱۳۳۸ قمری: ش ۱۴).

"فخر آفاق پارسا" نشریه‌ی "جهان زنان" را دو بار در ماه در مشهد (بازارچه سراب) منتشر می‌کرد که بر اولین صفحه‌ی آن چنین نوشته: "این مجله فقط راجع به امور زندگانی و لزوم تربیت زنان نگارش می‌یابد" (همان، ۱۲۹۹ ش: ش اول). نشریه‌ی "عالم نسوان" به صاحب امتیازی "نوبه خانم صفوی" در تهران به سال ۱۲۹۱ ش. و دوبار در ماه به چاپ می‌رسید. این نشریه "تحت نظر مجمع فارغ التحصلین مدرسه عالی انائیه؟ آمریکایی ایران بیت ایل" قرار داشت و در خارج از کشور هم حق اشتراک داشت (همان، ۱۲۹۱ ش: ش اول).

نویسندگان بزرگی از جمله "سعید نفیسی" (۱۳۴۵-۱۲۷۴) و "غلامرضا رشید یاسمی" (۱۳۳۵-۱۲۷۵) با تشکل‌های زنان همکاری میکردند. "صدیقه دولت آبادی" و "نورالهدی منگنه" از نویسندگان معتبر و مهم نشریات زنان بودند. تمام مطلب این نشریات راجع به زنان و برای زنان چاپ می‌شد. از ادبیات و تاریخ و علم تا خانه داری و اصول صحیح تربیت فرزند و... این نشریات، حق اشتراک در داخل کشور داشتند

فعالیت‌های اجتماعی تبدیل شدند. برای آگاهی بیشتر از فعالیت آموزشی این مبلغان نک: همزار، ویداء، مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی،

^{۱۴} در صفحه‌ی آغازین آن، چنین نوشته شده است: "روزنامه‌یست اخلاقی ادبی حفظ‌الصحة اطفال، خانه داری، بچه داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه‌ی اخلاق زنان راجع بمدارس نسوان..."

۱-۳. تشکیل انجمن

انجمن‌های زنان هم مثل روزنامه‌نگاری و مدرسه‌سازی پس از مشروطه در شهرهای اصفهان، تهران، تبریز و شیراز فعال بودند. از نخستین انجمن‌ها، "انجمن آزادی زنان" است که پیش از جنگ جهانی اول در تهران تشکیل شد و هدف آن ورود زنان به اجتماع و حل مشکلات و اصلاح اوضاع آنان بود (بامداد، ۱۳۴۷: ۲، ۷). "انجمن مخدرات وطن" هم از نخستین انجمن‌های فرهنگی است که با ۱۵۰ عضو در تبریز در ۱۳۲۸ ق. گشایش یافت (وطن دوست و...، ۱۳۸۵: ۱۷). "خواتین اصفهان" به مدیریت صدیقه دولت آبادی در ۱۳۳۶ ق. و "نسوان وطنخواه" در ۱۳۴۱ ق. به مدیریت "محترم اسکندری" در تهران فعال بود. "فخرآفاق پارسا" و "نورالهدی منگنه"، دو بانوی روشنفکر و فعال، در این جمعیت فعالیت داشتند. در ۱۳۴۷ ق. نیز زندخت شیرازی "مجمع انقلابی نسوان" را در شیراز ایجاد کرد. هدف این انجمن‌ها کمک به ارتقاء شخصیت اجتماعی زنان بود. هر چند به عرصه‌های دیگر هم غیر از زنان توجه داشتند، از جمله تلاش برای تدوین قانون ملی (و احتمالاً گنجاندن حقوق زنان در آن) و مبارزه با نفوذ خارجی در ایران. اسنادی از مکاتبات این انجمن‌ها با خارج از کشور و زنان دیگر کشورها موجود است (همان).

"سید کاظم رشتی"، "ملا هادی نجم آبادی"، "شیخ محمد حسین یزدی" و "رشدیه" که به عنوان چهره‌های مذهبی شناخته شدند، جملگی از حامیان این جنبش‌ها و حرکات اصلاح‌طلبانه بودند. با وجود حمایت چهره‌های مذهبی از جنبش‌های نوین اجتماعی، اگر دین و مذهب را مخالف این اعمال بدانیم به خطا رفته‌ایم. گذشته از این موارد، حضور سیاسی زنان ایرانی نیز حائز اهمیت است. از جمله، کمک مالی به بانک ملی که در آغاز نیازمند سرمایه بود. زنان برای کمک به بانک، با فروش طلاهایشان از بانک ملی و مدیران درخواست کردند از کشورهای خارجی وام نستانند (بامداد، همان، ۳۷). این مسئله، بینش ملی و میهنی زنان را نشان می‌دهد که در برابر بحران‌های کشور احساس مسئولیت می‌کردند. مسئله‌ی دیگر، که شهرتی بسزا دارد، "جنبش تنباکو" است که نقش زنان در آن، از زنان حرم سلطنتی گرفته تا زنان طبقه‌ی متوسط، حضوری گسترده و بلکه تعیین کننده داشتند. آنها با شکستن و تحریم قلیان‌ها - چه مصرف کنندگان عمده‌ی قلیان بودند - به حمایت از تولیدکنندگان داخلی برخاستند و نیز نقش ایشان در تحصن‌های "حرم حضرت عبدالعظیم" در شهر ری، قابل اشاره است (ن.ک: بامداد، همان: ۱، ۳۸). از جمله شورش زنان در قحطی سال ۱۲۷۷ ق. و قحطی سال ۱۳۱۲ ق. که بر اثر احتکار گندم در تبریز پیش آمده بود. زنان در این شورش، کسبه‌ی بازار را مجبور به راهپیمایی و تظاهرات کردند و شماری از زنان، در این بلوا به شهادت رسیدند و به گفته‌ی ناطق، شعار "نان" به شعار سیاسی علیه سلطنت قاجارها تبدیل شد (ناطق، کتاب جمعه، ش ۳۰: ۱۳۵۸ش). لازم به ذکر است که اکثر این بانوان فعال، فقط در یک زمینه‌ی خاص، فعالیت نمی‌کردند. در واقع زنجیره‌ای از فعالیت‌های اجتماعی آنها را در کنار هم قرار داده بود؛ مثلاً صدیقه دولت آبادی هم روزنامه نگار بود و هم صاحب انجمن خواتین اصفهان. نکته‌ی مهم اینجا است که بعضی از این انجمن‌ها مثل انجمن آزادی، برای ساخت مدرسه، اقدام به برگزاری نمایش می‌کردند و عواید آن را صرف ساخت مدرسه می‌نمودند.

بدین ترتیب، در جامعه‌ی نوپای ایرانی، بیسواد بودن و در خانه نشستن مساوی با عقب ماندگی بوده است. فعالین اجتماعی، به دنبال شاخص‌هایی بودند که ملاک‌های عقب ماندگی آنان را که در جامعه و مخصوصاً در میان زنان می‌دیدند، از بین ببرند و یا کم رنگ کنند. باید عنوان کرد که بعد از مدت کوتاهی که اصلاحات اجتماعی شروع شده بود، اصلاح طلبی و گشایش روزنامه و مدرسه و ... باب روز شده بود و این مسئله انکار ناپذیر است